

## بررسی و تحلیل صنایع بدیعی در کلام امام رضا و امام سجاده<sup>(ع)</sup>

مصطفی اسفندیاری (فقیه)<sup>۱</sup>، حسین ناظری<sup>۲</sup>، علیرضا نادریان لایین<sup>۳</sup>

### چکیده

آرایه‌های بدیع زیورهایی هستند که سخن را آراسته و فهم کلام را آسان‌تر و زبان عادی را به زبان هنری نزدیک‌تر می‌سازند. کاربرد این آرایه‌ها در کلام از شاخصه‌های توانمندی گوینده است. سخنان گهربار ائمه<sup>(ع)</sup> که سرشار از بلاغت، فصاحت و انواع مسائل فنی و ادبی است متأثر از آشنایی با قرآن و علم الهی از منظر ادبی و بلاغی در درجه بالایی قرار دارد و دریایی از علوم ادبی و بلاغی است. این بزرگواران با به کارگیری صنایع بدیعی تاثیر کلام خویش را دوچندان کرده‌اند. نکته قابل توجه این که خطابه عربی بیشتر در زمینه بررسی آرایه‌های بیانی مورد توجه پژوهشگران بوده و کمتر از منظر آرایه‌های بدیعی مورد پژوهش قرار گرفته است. در این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی، ضمن بررسی آرایه‌های بدیعی (معنوی) در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> و امام رضا<sup>(ع)</sup> به ارزیابی و شناخت عناصر زیبایی‌شناسی معنوی و تاثیر آن‌ها در کلام این دو بزرگوار پرداخته‌ایم.

### کلیدواژه‌ها: امام رضا<sup>(ع)</sup>، امام سجاده<sup>(ع)</sup>، آرایه‌های بدیعی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۲۰

۱. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

Rahighs o 4@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد

hosein\_nazeri@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

alirezabelajavadk@yahoo.com

## مقدمه

خطابه از شاخصه‌های بارز نثر عربی است که در آن مجال خلق و حرکت خلاقیت‌های هنری وجود دارد و گوینده فرصت می‌یابد هنر خویش را با حوصله و تفصیل بیشتری به نمایش بگذارد. در خطابه فضا به صورتی وسیع برای خلق آرایه‌های ادبی و عناصر زیبایی‌شناسی در یک ارتباط منسجم با موضوع اصلی فراهم می‌شود. کلام ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> و سیره عملی ایشان دریایی است پر بار از اصول و مبانی اخلاقی انسانی که بررسی آن می‌تواند در بسیاری از موارد راهگشای مشکلات جامعه انسانی باشد. مثلاً روایت شده، امام رضا<sup>(ع)</sup> بسیار قرآن می‌خواندند و هرگاه به آیه‌ای می‌رسیدند که درباره بهشت بود، می‌گریستند و بهشت را از خداوند مسئلت می‌کردند. این روایت جنبه خودسازی سیره عملی حضرت را نشان می‌دهد (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲۴۶). دعاها و نیایش‌های ائمه<sup>(ع)</sup> متأثر از ارتباط ایشان با قرآن تجلیگاه توحید صفاتی و ذاتی پروردگار است و این موضوع مهم وظیفه ما را در جهت بررسی اقوال این بزرگان بیشتر می‌کند (خیاط، ۱۳۹۲: ۳۶۵). در این پژوهش به خاطر گستردگی مبانی اخلاقی، ادبی و بلاغی و همچنین فراوانی گفتار و حکمت‌های روایت شده از ائمه<sup>(ع)</sup>، تنها به مباحث بلاغی و ظرافت‌های بدیعی (آرایه‌های معنوی) موجود در کلام دو تن از ائمه معصوم یعنی امام رضا و امام سجاد<sup>(ع)</sup> براساس کتاب‌های منتسب به این بزرگان با عنوان «صحیفة الرضا» و «ترجمه و شرح اشعار منسوب به فاطمه زهرا<sup>(س)</sup> و امامان معصوم<sup>(ع)</sup>» پرداخته‌ایم. نویسندگان ابتدا به بیان کاربرد این آرایه‌ها و در ادامه به بیان ظرافت‌های موجود در کلام این بزرگان پرداخته‌اند. درباره منابع مورد بررسی، این دو کتاب ارزشمند توسط دو تن از ادیبان بزرگ جمع‌آوری و به زبان فارسی ترجمه شده است؛ کتاب «ترجمه و شرح اشعار منسوب به فاطمه زهرا<sup>(س)</sup> و امامان معصوم<sup>(ع)</sup>» دربردارنده سخنان حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> و سایر امامان معصوم<sup>(ع)</sup> است که توسط دکتر حسن عبداللهی جمع‌آوری شده است. ایشان در ترجمه خویش با دقت و هنر خاصی بین متن عربی و ترجمه فارسی ارتباط ایجاد کرده و کوشیده ضمن رعایت و پایبندی به متن، با آوردن معادل‌های روان فارسی خواننده را

در درک درست معنی یاری کند. از دیگر سو استاد قیومی اصفهانی توانسته است ترجمه پسندیده‌ای از سخنان امام رضا<sup>(ع)</sup> در کتاب شریف «صحیفة الرضا» برای خواننده فراهم آورد. پیشینه علم بدیع و پژوهش درباره فنون بلاغی در ابتدا منحصر به قرآن و زیبایی‌های ادبی آن بود و امثال ابوزکریا یحیی بن زیاد کوفی، مشهور به فراء در کتابش «معانی القرآن» به بررسی آرایه‌های ادبی قرآن پرداختند. این جریان ادامه داشته تا این که نوبت به افرادی چون جاحظ در کتاب «البيان والتبيين» وابن‌المعتز در کتاب معروفش «البدیع» رسید. بدون شک پژوهش درباره علم بدیع و آرایه‌های بدیعی در بلاغت عربی ادامه داشته است.

در حیطه کاربردی آرایه‌های معنوی و معانی اخلاقی، ادبی، اجتماعی موجود در کلام این بزرگواران می‌توان گفت، آرایه‌های «حسن طلب، استقصاء، ترتیب، طباق، مقابله و مراعات نظیر» بیشترین کاربرد را داشته‌اند. از آن‌جا که کتاب‌های «ترجمه و شرح اشعار منسوب به فاطمه زهرا<sup>(س)</sup> و امامان معصوم<sup>(ع)</sup>» و «صحیفة الرضا» در بردارنده بخشی از سخنان امام سجاده<sup>(ع)</sup> و امام رضا<sup>(ع)</sup> بوده و در درجه بالایی از مناجات قرار دارند، بیان ارزش ادبی و فنی آن در گرو زیبایی است که در این مجموعه‌ها وجود دارد. در این مقاله با بیان نمونه‌هایی از آرایه‌های معنوی به کار رفته در کلام این دو بزرگوار، سعی در به تصویر کشیدن توانمندی ایشان در فن سخنوری داریم. تلاش بر این است تا به واسطه شناسایی و بیان آرایه‌های بدیعی معنوی موجود، به بررسی زیبایی‌های آن‌ها براساس شواهد به صورت موردی پرداخته شود. بنابراین به شیوه تحلیلی درباره آرایه‌های بدیعی ابتدا توضیحی آورده‌ایم و سپس به بیان شواهد مربوط به آن و مهم‌ترین راه‌هایی که در ایجاد موسیقی نثر مؤثر است مانند سجع، موازنه، تجنیس و... پرداخته‌ایم.

ویژگی مقاله حاضر در روش بررسی و هدفی است که دنبال می‌کند. روش کار، بررسی توصیفی-تحلیلی موضوع با بهره‌گیری از مثال‌های ممتازی است که صورت‌های بدیعی دارد، سپس در حد امکان به شرح مثال‌ها پرداخته و سعی بر این است از منابع مختلف و مناسب‌ترین نظریه‌ها، برای بیان زیبایی فنی مثال‌ها بهره گرفته و محسنات بدیعی با شواهد

بلیغی از متن سخنان امام<sup>(ع)</sup> آراسته شود. از آن‌جا که علما درباره برخی آرایه‌های معنوی و قرار گرفتن آن‌ها در حیطه علم معانی یا بدیع اختلاف‌نظر دارند و معتقدند که این موارد در دایره علم معانی جای دارد، با وجود نمونه‌هایی از این آرایه‌ها، به بیان مثال‌هایی پیرامون آن‌ها پرداخته نشده، از دیگر سو از آوردن برخی محسنات معنوی به خاطر نبود شاهد مثال مناسب چشم‌پوشی شده است.

### علم بدیع

علمی است که روش‌های زیباسازی کلام پس از رعایت مطابقت سخن با مقتضای حال و روشنی دلالت آن بر مقصود گوینده را بیان می‌دارد، البته بعد از رعایت مطابقت کلام با مقتضای حال (فندرسکی، ۱۳۸۱: ۱۷۴).

اصطلاحات پر تعداد علم بدیع در ادبیات عربی و فارسی را تا ۳۰۶ و حتی ۵۰۰ فقره نیز برشمرده‌اند، بدان دلیل که تالیف کتاب مستقل درباره این علم دیر هنگام بوده، «ترجمان البلاغه» جزو اولین کتاب‌هایی بود که به معنی واقعی به علم بدیع و تقسیم‌بندی آن پرداخت (کارگر، ۱۳۸۸: ۳۱۵) در تقسیم‌بندی کلی این اصطلاحات در دو مجموعه دسته‌بندی می‌شوند: ۱. لفظ و آرایش آن؛ ۲. معنا و زیباسازی (القزوینی، ۱۴۳۰ق: ۲۸۷) که اولی را آرایه‌های لفظی و دومی را آرایه‌های معنوی می‌نامند. آرایه‌های بدیعی معنوی، صنایعی هستند که وظیفه زیباسازی معنا را دارند. گرچه گاهی باعث زیبایی لفظ نیز می‌شوند. در محسنات معنوی اگر لفظی به مترادف تغییر یابد، زیبایی کلام از بین نمی‌رود. اینک به اصل موضوع و بررسی آرایه‌های معنوی خواهیم پرداخت.

#### ۱. احتراس

این‌که در سخن شاعر یا نویسنده‌ای طعنه‌ای وجود داشته باشد، پس وی به کمک این صنعت، خودش را از آن مبرا سازد (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۲۴۴). حقیقت این است متکلم

همین که احتمال معترض شدن مخاطب یا خستگی وی را بدهد، سخنی کوتاه می‌آورد تا از این حالت مخاطب رهایی یابد. از نمونه‌های آن در صحیفه الرضا عبارت‌اند از:

- جبریل عن یمنی و میکائیل عن شمالی و محمد صلی الله علیه و آله امامی و الله عز و جل یطل علی، ینعکم منی و ینع الشیطان الرجیم، یا من جعل بین البحرین حاجزاً، أحجز بینی و بین أعدائی حتی لا یصلوا إلی سوء (قیومی، ۱۳۷۸: ۱۵۰)؛

حضرت در عبارت اول مکان جبرئیل و میکائیل و محمد(ص) را بیان، سپس کلمه «اعداء» را می‌آورد، پس ابتدا از خدا می‌خواهد که بین وی و دیگران فاصله قرار دهد، سپس احتمال می‌دهد که امر بر مخاطب مشتبه گردد بنابراین لفظ «اعداء» را بیان می‌کند تا از وجود مانع بین خود و پیامبر احتیاط بجوید.

- سترت یمنی و بینک بستر النبوة الذی استتر أنبیاء الله به من سطوات الجبابرة و الفراعنة (همان: ۱۶۰).

واژه «ستر النبوة الذی استتر أنبیاء الله به» توهمی که ممکن است درباره ستر و نوع آن در ذهن مخاطب به وجود آید را دفع می‌کند. از نمونه‌های احتیاط در کلام امام سجاد(ع):

- فیا ایها المفتون بعمله الغافل عن حلول أجله، ما هذا التقصیر وقد وخطک القتیر و وافاک النذیر و إلی الله المصیر (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۲۲).

گوینده در مقام نصیحت و صریح سخن می‌گوید، از آنجا که احتمال ناراحت شدن شنونده را می‌دهد، آیه «و إلی الله المصیر» را می‌آورد، تا به نوعی از ناراحتی وی احتیاط بجوید.

- ما هذه الحيرة والسبيل واضح والمشیر ناصح، عقلت و عرفت فأنكرت و علمت فأهملت هذا هو الداء الذی عز دواؤه (همان: ص ۲۲۰).<sup>۱</sup>

۱. ینعکم منی: مرا از شر شما حفظ می‌کند؛ الحاجز: مانع؛ سوء: بدی، زیان؛ سترت: پوشاندی؛ سطوات الجبابرة: حملات ستمگران؛ المفتون بعمله: گمراه شده به عملکرد خویش؛ وخطک القتیر: کنایه از این که موی بناگوش سفید شده است؛ المشیر: هدایت‌کننده؛ فاهملت: سستی به خرج دادی؛ الداء: مریضی.

گوینده با بیان جمله «عرفت فأنكرت وعلمت فأهملت» از خالی الذهن بودن خویش احتراس جسته و نوک پیکان اتهام را به سوی شنونده نشانه می‌رود، او را مسئول می‌داند، چرا که می‌دانسته و عمل نکرده است. زیبایی این آرایه به خاطر کنایه‌ای بودن و از طرفی مبهم بودن مقصود گوینده است و این‌که هر لحظه بخواهد می‌تواند منظور خویش را تایید یا به خاطر رهایی از ملالت یا ناراحتی گوینده خویشتن را از آن برداشت خاص مبرا کند. از منظر موازنه کلام امامان همان‌گونه که مشاهده می‌کنیم در کلام امام رضا<sup>(ع)</sup> نوعی سهولت روانی به چشم می‌خورد و با طبع همراه‌تر است، درحالی‌که کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> بیشتر عقل‌گرا و اثباتی است. البته این امر طبیعی می‌نماید، چرا که امام سجاده<sup>(ع)</sup> معمولاً در پی مقصودی اخلاقی و اصلاح جامعه بشری است. همین امر منجر به نوعی تعمّد در چینش کلمات می‌شود، که منجر به رسمی‌تر شدن کلام ایشان می‌شود.

## ۲. ادماج

ادماج یعنی این‌که در سخنی که برای معنایی ساخته شده باشد معنای دیگری نیز گنجانده شود (هاشمی، ۱۳۸۹: ۲۶۶) از مثال‌های آن در صحیفه الرضا عبارت‌اند از:

- بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا الله، وحده لا شريك له، أنجز وعده ونصر عبده وأعز جنده وهزم الاحزاب وحده، فله الملك وله الحمد، الحمد لله رب العالمين (قیومی، ۱۳۷۸: ۱۴۰).

- فإنا حينما سلكت أمن مطمئن وعدوى في الأهوال حيران، قد حفت بالمهانة و ألبس الذل و فمّح بالصغار، ضربت على نفسى سرادق الحياطة ولبست درع الحفظ وعلقت على هيكل الهيبة (همان: ۱۴۴).<sup>۱</sup>

در مثال اول، حضرت نوعی مدح را در کلام خود داخل می‌کند، البته این جمله تلمیح نیز دارد. در جمله دوم حضرت در ضمن افتخار به خویشتن و توانایی‌هایش، دشمن خویش را نیز هجو می‌کند. از نمونه‌های آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

۱. أنجز وعده: به وعده‌اش عمل کرد؛ أعزّ جنده: یارانش را بزرگی بخشید؛ هزم: شکست داد؛ سلکت: راه پیمودن؛ الأهوال: سرگردانی همراه با ترس؛ حفت بالمهانة: لباس خواری بر وی پوشانیده شده است؛ سرادق الحياطة: حفاظت الهی؛ علقت: آویخته شدم.

- عتبت علی الدنيا فقلتُ إلى متى أكابدُ هماً بؤسُهُ ليس ینجلی  
أکلُّ شریفٍ قد علی بجدوده حرامٌ علیه العیش غیر مُحَلَّلٍ  
فقالَت نعم یابن الحسین رمیتکم بسهم عنادی حین طَلَّقنی علی (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۳۵).  
درضمن بیان سختی‌هایی که روزگار بر خاندان ایشان وارد کرده نوعی فخر نیز دارد.  
براین اساس که جد بزرگوارشان دنیا را طلاق داده‌اند و اکنون دنیا کینه خود نسبت به ایشان  
را اجرا می‌کند، همین چند لایه‌ای بودن معانی موجود در این صنعت باعث تلذذ بیشتر  
شنونده می‌شود؛ البته شاهد مثال فوق آرایه تلمیح نیز دارد، چرا که سخن امام علی<sup>(ع)</sup> که  
فرمودند ای دنیا من تو را طلاق داده‌ام نیز در ضمن کلام آمده است و به این دلیل زیبایی  
مطلب دوچندان شده است.

- یا أمة السوء لا سقیاً لربعمکم یا أمة لم تُراعِ جدنا فینا (همان: ۲۴۳).<sup>۱</sup>  
حضرت ضمن لعنت کوفیان، رفتار زشت اینان و بی‌احترامی شان به ذریه پیامبر<sup>(ص)</sup> را  
گوشزد می‌کند. تجدید صلوات بر پیامبر و اهل بیت<sup>(ع)</sup> نیز از نمونه‌های ادماج به شمار  
می‌آید. در کل این صنعت خواننده را به تفکر بیشتر و در نتیجه استفاده بیشتر از دانسته‌ها  
و در نهایت تلذذ بیشتر دعوت می‌کند. در کلام این بزرگواران این صنعت بدیعی به زیبایی  
به کار رفته و این ظرافت در کاربست و بیان نشانه توان بالا در عرصه خطابه عربی است و  
این که آن‌ها قادرند به راحتی در کلام از منظوری به منظوری دیگر رو نمایند و در موازنه  
کلام ایشان کاربرد به جا و صحیح آرایه مذکور کاملاً آشکار است. همین موضوع نشانه توان  
علمی و ادبی بالای این یک‌تازان ادبیات عربی دارد.

### ۳. اِرداف

اِرداف یعنی این که گوینده معنی را اراده کند ولی لفظی را که برای آن معنی تعیین شده

۱. اکابد: در رنج و سختی باشم؛ بؤس: بدبختی؛ لیس ینجلی: تمام نمی‌شود؛ العیش: زندگی؛ رمیتکم: شما را مورد هدف قرار دادم؛ لا سقیاً لربعمکم: جمله دعایی به معنی خداوند برکت خویش را بر شما نازل نکند؛ لم تُراعِ: رعایت نکردن احترام.

باشد به کار نبرد، بلکه لفظی مترادف با لفظ اصلی را بیاورد که به صورت کنایه به لفظ اصلی اشاره دارد (اللادقی، ۱۹۶۳م: ۲۱۶). از موارد آن در صحیفه الرضا:

- فُهُمْ لِي خَاضِعُونَ وَعَنِّي نَافِرُونَ، كَأَنَّهُمْ حَمْرٌ مُسْتَنْفَرَةٌ (قیومی، ۱۳۷۸: ۱۴۴).

حضرت لفظ «حمر مستنفره» را به کنایه از دشمنان خویش که وحشت بر ایشان غلبه یافته آورده است.

- اللَّهُمَّ قَوْلُكَ الْحَقُّ الَّذِي لَا خَلْفَ لَهُ وَلَا تَبْدِيلُ يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ (همان: ۱۱۰).

جمله «یوم ندعو كل اناس بامامهم» از شاهد مثال‌هایی است که دلالت بر ارداد دارد و بنابر آرایه معنوی ارداد این جمله اشاره به روز قیامت دارد. از نمونه‌های آن در کلام امام سجاد(ع) عبارت‌اند از:

- أُمُّ كَيْفٍ تَنَامُ عَيْنٌ مِنْ يَخْشَى الْبِيَّاتِ، أَوْ تَسْكُنُ نَفْسٌ مِنْ يَتَوَقَّعُ الْمَمَاتِ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۹۱)

که جمله «تنام عین من یخشی البیات» را آورده به خاطر کنایه از فردی که حواسش به مرگ است. همین گوشه و کنایه زدن به فرد باعث می‌شود مخاطب و شنونده نیز به هوش باشد و در تفکر فرو رود.

- وَكَيْفٌ يَلِدُ الْعَيْشَ مِنْ هُوَ مَوْقِنٌ بِمَوْقِفِ عَدْلِ يَوْمِ تَبْلَى السَّرَائِرِ (همان: ۱۱۰).<sup>۱</sup>

جمله «یوم تبلی السرائر» از شاهد مثال‌هایی است که دلالت بر ارداد دارد، و بنا بر آرایه ارداد اشاره به روز قیامت دارد. این شاهد از جمله اسم‌های قیامت است. کاربرد اسلوب‌های بی‌نقص و چینش کلمه‌هایی باعث تاثیر بیشتر کلام ایشان می‌شود و زمانی که پژوهشگر اقدام به موازنه کلام امامین هم‌امین کند، درمی‌یابد ایشان از نظر تسلط بر اسلوب‌های بیانی عربی و فصاحت و بلاغت در درجه بالایی قرار دارد و نمی‌توان یکی را بر دیگری برتری داد.

۱. خاضعون: سربه زیر افکننده، ذلیل؛ نافرون: فرارکننده؛ حمر مستنفره: گورخران رم کرد؛ لا خلف له: هیچ خلف وعده‌ای در آن نمی‌رود؛ تسکن: آرامش داشته باشد؛ يتوقع الممات: انتظار مرگ را می‌کشد؛ یلد العیش: از زندگی لذت ببرد؛ موقن: یقین دارد؛ یوم تبلی السرائر: کنایه از روز قیامت.



#### ۴. ارسال مثل

ارسال مثل یعنی این که گوینده در ضمن کلام خویش، مثلی معروف یا شعر یا سخنی فصیح را که مورد پذیرش عموم مردم قرار گیرد و تبدیل به مثل شود بیان کند (هاشمی، ۱۳۸۹: ۳۴۲). از شواهد آن در صحیفه الرضا عبارت‌اند از:

- لیس لبخیل راحة ولا لحسود لذّة ولا ملوک وفاء ولا لکذوب مروّة (قیومی، ۱۳۷۸: ۳۹۶).

- أفضل المال ما وقى به العرض وأفضل العقل معرفة الإنسان نفسه (همان: ۳۹۶).

از نمونه‌های آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> عبارتند از:

- وأنّ امرأ يسعى لدنياه جاهداً ويذهل عن أخراه لاشكّ خاسر (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۸۵)¹.

- هو الزمان فلا تغنى عجائبه ولا تغنى مصائبه (همان: ۱۷۷)².

اهل زبان در ضرب‌المثل هیچ اختلافی ندارند و معمولاً مشتمل بر حکمت اخلاقی است. همچنین با وجود موجز بودن، معانی والایی را افاده، به خاطر تخیل و استدلالی که به صورت تمثیلی بیان می‌کند. علاوه بر این موضوعیتی که به مفاهیم ذهنی می‌دهد بسیار زیباست. کلام هر دو امام<sup>(ع)</sup> مشتمل بر برخی مثل‌های مشهور است. البته در این موارد مثالی که به صورت نمونه و برای موازنه کلام امامین هم‌امین<sup>(ع)</sup> آورده شد، موارد دیگری از صنایع بدیعی نیز کاربست یافته است. در بیان ارزش این صنعت بدیعی بیان این نکته بس که این دو بزرگوار با رعایت مقتضای حال و شرایط مخاطب از بهترین سخنان و تاثیرگذارترین مثل‌ها استفاده کرده‌اند.

#### ۵. استقصاء

به این صنعت استیفاء نیز گفته می‌شود، بدین صورت که گوینده، همه اجزای یک چیز را

۱. راحة: آسایش؛ لذّة: لذت؛ المروءة: مردانگی؛ ما وقى به العرض: آنچه مایه حفظ آبرو گردد؛ يذهل: بی‌توجه؛ خاسر: زیان‌دیده؛ لا تغنى عجائبه: موارد خارق‌العاده‌اش تمامی ندارد؛ لا تغنى مصائبه: مصیبت‌هایش تمام نمی‌گردد.

۲. که در ادبیات فارسی مورد اول از کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> معادل «زمانه نه کاهد نه خواهد فزود» و مورد دوم معادل «دنیا جای آزمایش است نه جای آسایش» و مورد سوم معادل «دنیا جنگل مولاست» می‌باشند (فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی، ۱۳۸۸: ۱۱۲۸، ۱۰۳۳، ۱۰۳۳).

همان‌گونه که شایسته آن باشد، بیان کند (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۲۳۵)، شواهد این صنعت در کلام حضرت بسیار است از جمله:

- سبحان خالق الارضين: سبحان خالق الرياح والنبات، خالق الحياة والموت، خالق الثرى والفلوات (قیومی، ۱۳۷۸: ۴۰).

امام<sup>(ع)</sup> در این مورد تمام مخلوقات را به صورتی زیبا جمع کرده است. البته مراعات النظیر نیز در این مثال دیده می‌شود؛ کاربرد همزمان چند صنعت ضمن کلام بسیار کاربرد یافته و خبر از توان ادبی ایشان دارد.

- فَمَسَأَلْتِي لَكَ يَا رَبِّ فِي هَذَا الْمَقَامِ الْمُوصُوفِ، مَقَامَ عَبْدِ الْبَائِسِ الْمَلْهُوفِ، أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَتَعْصِمَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِي (همان: ۴۴).

در این مثال نیز حضرت تمام حالت‌هایی را که بر بنده عارض می‌شود، بیان کرده‌اند.  
- اللَّهُمَّ واعِزَّهُ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَذُرَأَتٍ وَبِرَأْتٍ وَأَنْشَاتٍ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ بِحَفِظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مِنْ حَفِظَتِكَ بِهِ (همان: ۵۲).<sup>۱</sup>  
در این مورد حضرت، تمام مصائب بندگان و استمداد بنده از خدا و حمایت خدا از بنده را بیان می‌کند. از نمونه‌های آن در کلام امام سجاد<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

- وَصَرَعْتَ مِنْ مَكَبِّ عَلَيْهَا، فَلَمْ تُنْعَشْ مِنْ صَرَعْتِهِ وَلَمْ تُقْلَهُ مِنْ عَثْرَتِهِ وَلَمْ تُدَاوِهِ مِنْ سَقْمِهِ وَلَمْ تُشْفِهِ مِنْ أَلْمِهِ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۹۳).

حضرت در این باره حالات گوناگون برخورد روزگار را بیان می‌کند.

- حَيْثُ لَا يَنْفَعُهُ الْاِسْتِعَارُ، وَلَا يَنْجِيهِ الْاِئْتِذَارُ (همان: ۱۹۴).

حضرت تمام حالت‌هایی را که بر بنده عارض می‌شود هنگام حسابرسی در قیامت بیان کرده‌اند.

۱. خالق الارضين: آفریننده دو دنیا؛ الثرى: خاک؛ البائس الملهورف: بی چیز نادر؛ تعصمی: مرا حفظ کنی؛ ذرأت: پدید آورده‌ای؛ یمین: راست؛ شمال: چپ؛ لا یضیع: از بین نمی‌رود.

- شَقَّ جِيبُهَا نِسَاؤُهُ، وَلَطَمَ خَدُودَهَا إِمَاؤُهُ، وَأَعُولَ لِفَقْدِهِ جِرَائُهُ، وَتَوَجَّعَ لِرُزِيَّتِهِ اخْوَانُهُ (همان: ۱۹۶).<sup>۱</sup>  
 در این مورد حضرت، تمام حالات افراد مصیبت دیده را بیان می‌دارد، البته این مثال  
 ائتلاف اللفظ مع المعنی نیز دارد. دیدیم که این دو امام<sup>(ع)</sup> در تمامی مثال‌های بالا در عین  
 خلاصه‌گویی تمام حالاتی را که ممکن بود برای امری وجود داشته باشد، بیان کرده‌اند.  
 همین کمال سخن در عین خلاصه‌گویی، باعث جذابیت مطلب شده و به نوعی مثال عملی  
 ضرب‌المثل مشهور «خیر الکلام ما قلَّ و دلَّ» نیز است. از منظر موازنه نیز کلام هر دو بزرگوار  
 در یک سطح قرار دارند، البته در این موارد کلام امام سجاد<sup>(ع)</sup> بیشتر دارای شواهد مثال بلاغی  
 است در حالی که کلام امام رضا<sup>(ع)</sup> نیز در جایگاه خویش کاربرد به جا و مقبولی از صنعت  
 بدیعی استقصاء را ارائه می‌دهد. سخن ائمه<sup>(ع)</sup> به خاطر شرایط دینی و تربیت یکسانی که  
 برخوردار بوده‌اند، نوعی همبستگی دارد و در کل اگر ریزبینانه به کلام ایشان نگاه شود،  
 ریشه‌های مشترکی از تاثیرات قرآن دیده می‌شود.

## ۶. بسط

بسط یعنی این‌که گوینده کلماتی بیشتر از معنی مد نظر خویش بیاورد. نکته مهم این‌که  
 این زیادی کلمه‌ها باید در نوع معنی و در بیان مطلب، تأثیرگذار باشد (ابن‌المعتز، ۱۴۲۲ق:  
 ۲۲۴).

از موارد آن در صحیفه‌الرضا عبارت‌اند از:

- اللَّهُمَّ الْعَنَ أَبَا جَهْلٍ وَالْوَلِيدَ لَعْنَا يَتَلَوُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَيَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا، اللَّهُمَّ الْعَنُوهُمَا لَعْنَا يَلْعَنُهُمَا بِهِ  
 كل ملكٍ مقربٍ و كل نبي مرسلٍ و كل مومن امتحنت قلبه للإيمان ، اللَّهُمَّ الْعَنُوهُمَا لَعْنَا يَتَعَوَّذُ مِنْهُ أَهْلُ  
 النَّارِ (قیومی، ۱۳۷۸: ۱۰۰).

۱. سرعت: بر زمین زد؛ مکتب علیها: تکیه نموده برآن؛ عثرته: لغزش؛ تشفه: شفا دادن؛ فلم  
 تتعشه: او را بلند نکرد؛ عثرته: لغزش او؛ لا ینفعه الاستعبار: گریه به حال وی سودی ندارد؛  
 الاعتذار: عذرخواهی نمودن؛ شَقَّ جِيبُهَا: گریبان‌شان را چاک دادند؛ لطم: سیلی زدند؛ أعول:  
 شیون کردند؛ توجَّعَ، لرزیده: برای حادثه غم‌انگیزش نالش کردند.

- معدن القدس والطهارة والنسك والزهادة والعلم والعبادة، مخصوص بدعوة الرسول ونسل المتطهرة البتول، لا مُعْزَم فيه في نسبٍ ولا يدانیه في حسبٍ، في البيت من قريشٍ وبالذروة من هاشم و العترة من الرسول(ص) و الفرعُ من عبد مناف (همان: ۲۶۲).

در همه مثال‌ها التفات آشکار است. حضرت هر کلمه را با موارد متعددی از معانی همسو پوشش می‌دهد، تا مطلب بهتر در نزد خواننده جایگیر شود. در مثال اول جناس و صنعت اشتقاق نیز موجود است. نکته حائز اهمیت این که بسط به خاطر وضوحی که دارد منجر به روشنی سخن امام شده است. از نمونه‌های آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

- وقد غلب الحزن على فؤاده فغشى من الجزع عليه وقد خضبت الدموع خديه (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۹۷).

- عادت إلى مرعاها ونسيت ما في اختها دهاها، أقبأفعال البهائم اقتدینا وعلى عادتها جربنا (همان: ۱۹۸).

در مثال‌های بالا دو امام<sup>(ع)</sup> می‌توانستند با یک کلمه یا جمله کوتاه مقصود خویش را بیان کنند اما با آوردن مثال‌های متعدد و همگون سعی می‌کنند در ذهن مخاطب گستره وسیع‌تری را ایجاد کنند تا هدف کلام در ذهن مخاطب کاملاً جای گرفته و مطلب به صورت کامل ادا شود. بنابراین صنعت بسط به خاطر وضوحی که دارد منجر به روشنی و کمال بیشتر سخن ایشان شده است. این دو امام<sup>(ع)</sup> در این زمینه بدیعی نیز جایگاه بلاغی والایی دارند.

## ۷. ترتیب

«ترتیب» آوردن چند صفت مربوط به یک موصوف است به صورت مرتب همان‌گونه که در خارج وجود دارد (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۲۱۵) و از شواهد آن در صحیفة الرضا

۱. العن: لعنت کن؛ يتبعه: پشت سر هم آمدن؛ يتعوذ منه: از آن پناه می‌جویند؛ النسك: تقوی و ورع؛ لا يدانیه: با او برابری نمی‌کنند، به او نمی‌رسند؛ الذروة: در بلندای؛ الفرع: شاخه؛ الفؤاد: قلب؛ فغشى من الجزع: از شدت بی‌تابی بیهوش شده است؛ خضبت الدموع خديه: اشک‌ها پهنه صورتش را خیس کردند؛ عادت: بازگشت؛ مرعا: چراگاه؛ اقتدینا: اقتدا نمودن؛ جربنا: حرکت نمودن.

عبارت‌اند از:

- یا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقًا، وَالْهَمَّ فَأَنْطَقَ وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ، قَدَّرَ فَأَحْسَنَ، وَصَوَّرَ فَاتَّقَنَ وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ (قیومی، ۱۳۷۸: ۸۸).

- الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبْشَرُوا وَإِذَا أَسَاؤا اسْتَغْفَرُوا وَإِذَا أَعْطُوا شَكَرُوا وَإِذَا ابْتَلُوا صَبَرُوا وَإِذَا غَضِبُوا عَفُوا (همان: ۳۸۲).

در شاهد اول، حضرت، صفات خدا و در مثال دوم حالت‌های فرد مؤمن را در طول روز از نظر عبادت و معصیت بیان می‌دارد. از نمونه‌های آن در کلام امام سجاد<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از: - ثُمَّ أَخْرَجَ مِنْ سَعَةِ قَصْرِهِ إِلَى ضَيْقِ قَبْرِهِ، فَحَثُوا بِأَيْدِيهِمُ التُّرَابَ وَكَثَرُوا التَّلَدُّدَ وَالِاتِّحَابَ عَلَيْهِ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۹۸).<sup>۱</sup>

در شاهد مثال بالا تمام صفت‌ها مربوط به میت توسط حضرت بیان گشته است. همین کمال سخن باعث شده تا جایی برای سوال در ذهن مخاطب نماند. به خاطر کامل بودن این صنعت در القای مطلب ادبا بدان اهتمام داشته‌اند و شواهد مثالی زیادی از آن در کلام دو امام وجود دارد، که به خاطر کمبود مجال از آوردن آن‌ها خودداری می‌کنیم. از منظر موازنه‌ای هر دو بزرگوار در مرتبه بالایی قرار دارند و از آن‌جا که هر دو از زمامداران عرصه بیان عربی هستند، نمی‌توان یکی را بر دیگری برتری داد.

## ۸. جمع

جمع کردن چند چیز ذیل حکم واحد است (القزوینی، ۱۴۳۰ق: ۳۵۲) در تعریفی عام‌تر این‌که سخنور دو یا چند کس یا چیز را در ویژگی یا هنجاری گرد آورد (کزازی، ۱۳۷۳: ۱۱۷) از شواهد آن در صحیفة الرضا:

---

۱. اللهم: الهام نمود؛ ابتدع: بدون نمونه خلق کرد؛ قدر: تقدیر نمود؛ احتج فابلغ: احتجاج نمود و ابلاغ فرمود؛ احسنوا: نیکی کنند؛ استبشروا: شادی می‌کنند؛ أسأؤوا: بدی کنند؛ ابتولا: مورد آزمایش قرار گیرند؛ عفووا: گذشت می‌کنند؛ ضیق: تنگی؛ فحثوا: خاک بر وی پاشید؛ التلدد والانتحاب: توقف نمودن و ناله و زاری کردن.

- واجعل لی من کلِّ هم فرجاً ومخرجاً، وجميع المومنین، واحفظ فيه رسولک و وصی رسولک وآباءه، صلواتک علیهم أجمعین (قیومی، ۱۳۷۸: ۵۴).

- اقصم به رؤوس الضلالة وشارعة البدع وممیتة السنة ومقویة الباطل ودلل به الجبارین وأبر به الکافرین وجميع الملحدین (همان: ۶۸).

در موارد اشاره شده حضرت به زیبایی بین موارد مختلف جمع کرده است و از نمونه‌های آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup>:

- فالشباب للهرم والصحة للسمم، والوجود للعدم، وكلُّ حی لاشکَّ مُحترَم (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۱۴).

حضرت در این فراز از کلام خویش تمام حالات زندگی فرد را در زیرمجموعه نیستی جمع می‌کنند که می‌شود «وکلُّ حی لاشکَّ مُحترَم»، اولین عامل زیباسازی صنعت جمع غرابت- ایجاد رابطه فنی و بدیعی در سخن است، سپس ایجاد رابطه بین برخی موارد و اجتماع اشیای متعدد ذیل حکم واحد است. همین امر منجر به نشاط عقل و تلاش برای کندوکاو رابطه آن‌ها می‌شود. کلام امام رضا<sup>(ع)</sup> نوعی همگونی با جامعه عصر خویش دارد، همین امر درباره امام سجاده<sup>(ع)</sup> نیز صدق می‌کند و به همین دلیل است که می‌بینیم کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> نوعی صلابت دارد، درحالی که کلام امام رضا<sup>(ع)</sup> روان و سلیس است.

## ۹. تفریق

تفریق یعنی این که میان دو چیز از یک نوع به لحاظ اختلاف در حکم جدایی افکنده شود (القزوینی، ۱۴۳۰ق: ۳۵۲). از شواهد آن در صحیفة الرضا عبارت است از:

- اللهم ولكل متوسل ثواب ولكل ذی شفاعۃ حق (قیومی، ۱۳۷۸: ۱۱۴).

در این جمله حضرت بین شفاعت‌کنندگان و متوسلین فرق گذاشته و صنعت تفریق به‌کار برده است. همین فرق گذاشتن و ظرافت در به‌کارگیری تفریق منجر به تلذذ بیشتر

۱. هم: غم و اندوه؛ اقصم: درهم شکن؛ شارعة البدع: بدعت‌گذاران؛ ممیتة السنة: سنت‌شکنان؛ مقویة الباطل: حامیان باطل؛ الهرم: پیری؛ محترم: نابودشونده.

مخاطب گردیده است. از نمونه‌های آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup>:

- آل الرسول علی الاقتاب عاریةً و آل مروان تسری تحتهم نُجُبُ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

در شاهدمثالی بالا امام<sup>(ع)</sup> بین آل الرسول<sup>(ص)</sup> و آل مروان تفریق ایجاد کرده است.

- غداً تُلاقى حاکماً لیس عنده سوی العدل لایحفی علیه المنافقُ  
فمن حُسنت اعماله فهو فائزٌ ومن قُبِحَت أعماله فهو زاهقُ (همان: ۲۱۶).<sup>۱</sup>

در شاهدمثال امام<sup>(ع)</sup> بین افراد نیکوکار و بدکار تفریق ایجاد کرده است. شخص محسن خوشبخت و بدکار دچار خذلان می‌شود، صنعت تفریق به خاطر جداسازی که بین دو امر هم جنس ایجاد می‌کند، باعث لذت‌بخش‌تر شدن کلام می‌شود. در این صنعت شرط است که افتراق و جدایی افکندن در کلامی عاطفی جریان پیدا کند، نه کلامی خبری و خالی از عاطفه (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۸۲).

در این زمینه هر دو امام<sup>(ع)</sup> بر ظرافت کاربرد این صنعت واقف بوده‌اند و شواهدمثالی زیادی در کلام ایشان به کار بسته شده است. در کل کاربرد این صنعت و صنایعی از این دست که به نوعی نیازمند توان بیشتر از طرف گوینده در بیان و تفکر بیشتر از طرف خواننده در فهم مطلب است، منجر به زیباتر شدن کلام می‌شود و خبر از توان بالای ادبی گوینده می‌دهد و نوعی فضل برای وی محسوب می‌شود.

#### ۱۰. تقسیم

تقسیم یعنی این‌که چند چیز ذکر و سپس به هر یک از افراد آن به صورت تعینی چیزی نسبت داده شود «هاشمی احمد، ۱۳۸۹: ۲۴۵) یا می‌توان این‌گونه گفت که تقسیم را در چند مجموعه قرار دهیم:

الف. بیان تمام شقوق معنی؛ ب. بیان احوال گوناگون شیء و سپس به هر یک از موارد

۱. متوسل: توسل جوینده؛ ذی شفاعت: شفاعت‌کننده؛ الاقتاب: شتران برهنه؛ تسری: سیر می‌کنند؛ نُجُب: شتران اصیل؛ لا یحفی: پوشیده نمی‌ماند؛ حسنت: نیکو باشد؛ فائز: پیروز؛ زاهق: نابود.

آنچه مرتبط است را اضافه کنیم (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۱۸۴).

از شواهد آن در صحیفه الرضا:

- وَأَسْأَلُكَ نَفْحَةً مِنْ نَفْحَاتِكَ وَفَتْحاً يَسِيراً وَرِزْقاً وَاسِعاً أَلَمْ بِهِ شَعْتِي، وَأَقْضِي بِهِ دِينِي وَأَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عِيَالِي (قيومی، ۱۳۷۸: ۱۳۴).

در این مثال علاوه بر صنعت تقسیم لف و نشر و مراعات نظیر وجود دارد.

- لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِناً حَتَّى تَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ سِنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ، سِنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ وَ سِنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ، فَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ فَكِتْمَانُ السَّرِّ، وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ فَمُدَارَاةُ النَّاسِ وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِيِّهِ فَالصَّبْرُ فِي الْبِئْسَاءِ وَالضَّرَاءِ (همان: ۳۸۰).

در شاهد بالا نیز صنعت تقسیم کاملاً آشکار است و از نمونه‌های آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

- وَمَنْ سَرَّنا نَالَ مَتَّا السَّرورِ وَمَنْ سَاءَنا سَاءَ مِيلاذُهُ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۰۲).

در شاهد مثال بین فرد یاری‌کننده و دشمن اهل بیت تقسیم کرده است که اولی مسرور و دومی بدبخت خواهد بود.

- أَيَا جَدَّنا أَمَّا الرِّجالُ فَذُجِّجوا أَيَا جَدَّنا أَمَّا النِّساءُ أَراملُ (همان: ۲۳۴).

بین مردان و زنان تقسیم و حالت هر کدام را بیان می‌کند.

- لَطافوا بنا شرق البلاد وغربها (همان: ۱۷۳).<sup>۱</sup>

امام<sup>(ع)</sup> تمام حالات حرکت اسیران را بیان می‌کند. زیبایی این صنعت این‌که بین دو یا چند چیز جمع می‌کند و برای هر مورد صفتی مجزا و منحصر به فرد می‌آورد، این امر باعث زیباتر و سلیس‌تر شدن کلام می‌شود. در این صنعت اشیای مشترک در احکام عمومی، در جزئیات متفاوت می‌شوند. بدین دلیل نفس انسان از احاطه جزئیات سرخوش می‌شود،

۱. نَفْحَةٌ: نسیم؛ أَلَمْ به شَعْتِي: پراکندگی‌ام را به اجتماع مبدل گردانند؛ أَقْضِي: ادا کند؛ اسْتَعِينُ عَلَى عِيَالِي: به خانواده‌ام کمک نمایم؛ خِصَالٌ: خصلت نشانه؛ سِنَّةٌ: روش، رویه؛ كِتْمَانُ السَّرِّ: رازداری؛ مُدَارَاةُ النَّاسِ: مدارای با مردم؛ الْبِئْسَاءُ وَالضَّرَاءُ: سختی‌ها و غم‌ها؛ سَرَّنا: ما خشنود گردانند؛ ذُجِّجوا: به قتل رسیدند؛ أَراملُ: بیوه شدند؛ لَطافوا بنا: ما را به گردش درآوردند.



تقسیم مانند لف و نشر است. فرق این دو در این است که علاقه‌ها در لف و نشر روشن و غیر پوشیده‌اند و زیبایی که از فواصل جمله‌ها در لف و نشر بدست می‌آید، در تقسیم وجود ندارد (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۱۸۷). کلام دو امام<sup>(ع)</sup> ارزش ادبی و بلاغی زیادی دارد و علاوه بر تقسیم صنایع بدیعی دیگری نیز وجود دارد. این امر از ویژگی‌های کلام ایشان است که زیبایی و تاثیر آن را چند برابر می‌کند. امام رضا<sup>(ع)</sup> از نظر کاربرد و تعداد موارد شاهد مثال موارد بیشتر و برتری را به خود اختصاص داده‌اند. هر چند کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> نیز با وجود تعداد کم شاهد مثال در مرتبه بالایی از بلاغت قرار دارد.

#### ۱۱. جمع و تفریق

جمع و تفریق یعنی این که گوینده بین دو چیز ذیل یک حکم واحد جمع، سپس بین‌شان به صورتی موجز تفریق ایجاد کند (القزوینی، ۱۴۳۰ق: ۳۵۲) و از شواهد آن در صحیفة الرضا: العجبُ درجاتٌ منها أن یزین للعبد سوء عمله فیراه حسناً فیعجبه ویحسب أنه یحسن صنْعاً ومنها أن یؤمن العبد برّبّه فیؤمن علی الله ولله المنّة علیه (قیومی، ۱۳۷۸: ۳۹۴).  
 - التّاس ضربان بالغ لا یکنفی، وطالب لا یجد (همان: ۳۹۸).  
 - فقد آتینا آل ابراهیم الكتاب والحکمة وآتیناهم ملکاً عظیماً، فمنهم من آمن به ومنهم من صدّ عنه (همان: ۲۶۴).

در این موارد، شاهد مثال آشکار و زیبایی بسیار بالایی به کلام داده‌اند. از نمونه‌های آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup>:

- ماذا تقولون إذ قال النبیُّ لکم ماذا فعلتُم وأنتم آخرُ الامم

بعترتی وبأهلی بعد مُفتقدی؟ منهم اساری وقتلی ضرّجوا بدمی (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۳۵)!

در این موارد نیز شاهد مثال آشکار است. حضرت<sup>(ع)</sup> ابتدا اهل بیت را در زیرمجموعه

۱. العجب: خودپسندی؛ سوء عمله: زشتی کارش؛ یحسن صنْعاً: عملکرد خوب؛ بالغ: رسیده به آرزو؛ طالب: تلاشگر؛ من صدّ عنه: از آن روی‌گردان شد؛ آخر الامم: آخرین ملت‌ها؛ مفتقدی: بعد از مرگ من؛ ضرّجوا بالدم: به خون خویش آغشته.

عترت<sup>(ع)</sup> جمع، سپس بین‌شان تفریق می‌کند که برخی‌شان اسیر و بقیه به دست دشمنان شهید شده‌اند و البته در ضمن حضرت به نوعی دشمنان اهل بیت را که ادعای مسلمان بودن و پیروی از رسول<sup>(ص)</sup> را دارند نیز سرزنش می‌کند. این صنعت به خاطر جمع کردن بین دو صنعت مجزا باعث زیباتر شدن کلام می‌شود. وجود این صنعت در کلام امام رضا<sup>(ع)</sup> بیشتر به چشم می‌خورد و از نظر کاربرد، شواهد مثالی بیشتری به خود اختصاص داده است، البته در مقایسه با امام سجاده<sup>(ع)</sup> ایشان پخته‌تر از این صنعت استفاده کرده‌اند، هرچند تفاوت قائل شدن بین این دو امام<sup>(ع)</sup> امری دشوار است.

## ۱۲. توزیع

توزیع یعنی این‌که شاعر یا نویسنده در کلام خود حرفی از حروف هجا را بیشتر از بقیه به‌کار ببرد. در این صنعت شرط است که به‌دور از تکلف باشد (عتیق، بی‌تا: ۵۸۶).  
از شواهد مثال این صنعت در صحیفه الرضا عبارت است از:

- یا مَعْرُوفًا بِالْمَعْرُوفِ مَعْرُوفٌ، یا من هو بالمعروف موصوف، أُنلنی من مَعْرُوفِک مَعْرُوفًا تَغْنینی به عن معروف (قیومی، ۱۳۷۸: ۱۱۶). در مثال فوق حرف «ع» بیشتر از بقیه تکرار شده و منجر شده است تا موسیقی متأثر از تکرار حرف بیشتر شود. موسیقی متأثر از تکرار حرف هر چه بیشتر شود القاء آن راحت‌تر می‌شود، از نمونه‌های آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup>:

- کَرُوعَةٌ ثَلَاثَةٌ لِمَغَارِ سَبْعٍ فَلَمَّا غَابَ عَادَتِ رَاتِعَاتِ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۷۹).<sup>۱</sup>

در این مثال حرف «ع» تکرار شده است. راز بلاغت این صنعت زیبایی است که از موسیقی موجود در حروف به وجود می‌آید و همین تکرار حرفی باعث آهنگین‌تر شدن و سلاست بیشتر مطلب می‌شود، شایان ذکر است که بین «ع، غ» جناس مصحف وجود دارد. کاربرد چندین صنعت بلاغی و بدیعی در کلام دو امام<sup>(ع)</sup> طبیعی می‌باشد، درباره موازنه

۱. آنلنی: مرا برسان؛ تغنی: مرا بی‌نیاز سازد؛ الثلثة: گروه مردم؛ المغار: جای غارت؛ السبع: حیوان درنده؛ فلما غابت: همین که دور شود؛ عادت راتعات: به چریدن بازمی‌گردد.

کلام ایشان ذکر این نکته ضروری است که ایشان از منظر کاربست توزیع در یک سطح عمل کرده‌اند. البته کلام امام رضا<sup>(ع)</sup> مؤثرتر و خوش‌نشین‌تر است و این امر متأثر از تکرار کلمه «المعروف» است.

### ۱۳. تنسيق صفات

تنسيق صفات یا تتابع صفت یا حسن‌نسق در علم بدیع یعنی این‌که صفات متعدد و مکرر مربوط به یک موصوف را بیان کنیم (القزوینی، ۱۴۳۰ق: ۳۴۲). موارد متعددی از این صنعت در کلام امام<sup>(ع)</sup> وجود دارد از جمله:

- اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ (قیومی، ۱۳۷۸:

۷۰).

- اللَّهُمَّ يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَالْمِنَّةِ الْمُتَّبِعَةِ (همان: ۸۶)؛

- فَاسْقِهِمْ سَقِيًّا نَافِعًا عَامًّا غَيْرَ رَائِثٍ وَلَا ضَائِرٍ (همان: ۱۰۴).

در مثال‌های بالا موارد تنسيق صفات آشکار است و از نمونه‌های آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

- فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْقَهَّارُ، قَاسِمُ الْجَبَّارِينَ، وَمَبِيرُ الْكَافِرِينَ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۸۹).

- مَلِيكٌ عَزِيزٌ لَا يَرُدُّ قَضَاؤُهُ عَنِ الْمَلِكِ الْعَلِيِّ نَافِذًا لِمَا رَآهُ قَاهِرٌ (همان).<sup>۱</sup>

بلاغت موجود در این صنعت از تکرار صفت‌ها است، که باعث می‌گردد، مقصود گوینده آشکار و هدف از کلام افاده شود. از آن‌جا که تمامی این صفت‌ها برای یک موصوف است، کلام را جذاب‌تر می‌کند. چون که غایت گوینده واضح کردن مطلب برای شنونده است و این مهم به کمک و همراهی این صنعت بدیعی ادا می‌شود و مخاطب بر مقصود گوینده احاطه می‌یابد. در این صنعت کلام امام رضا<sup>(ع)</sup> بیشترین کاربرد را به خود اختصاص داده

۱. الطاهر: پاک و پاکیزه؛ القدرة الجامعة: قدرت کامل و تام؛ فاسقهم سقيا نافعاً: جمله دعایی طلب خیر برای فرد؛ غیر راث و لا ضائر: ضرری در پی نداشته باشد؛ مبیر الکافرین: نابودکننده کافران؛ لا یرد: رد نمی‌شود؛ قاهر: درهم شکننده.

و از روانی بیشتری برخوردار است. کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> نیز در جایگاه والایی از بلاغت قرار دارد.

#### ۱۴. حسن الطلب

گوینده به وسیله الفاظ زیبا به طلب خویش اشاره و سخنش را متناسب و سلیس بیان کند (هاشمی، ۱۳۸۹: ۲۷۳)، خواستن چیزی از کسی به نحوی ظریف و لطیف (فشارکی، ۱۳۷۹: ۱۳۴). از نمونه‌های آن در صحیفه الرضا عبارت است از:

- استسلمتُ مولای لک و أسلمتُ نفسی إلیک و توکلتُ فی کلِّ أموری علیک و أنا عبدک و ابنُ عبدیک، اخبانی اللهم فی سترک عن شرار خلقک و اعصمنی من کل أذی و سوء بمنک، و اکفنی شرکک ذی شر بقدرتک (قیومی، ۱۳۷۸: ۱۳۸).

در این صنعت بدیعی می‌بینیم که شخص حضرت رضا<sup>(ع)</sup> حاجت خویش را با لطافت و زیبایی بیان می‌کند و با یاری جستن از صنایع بدیعی نیاز خویش را به بدیع‌ترین شکل ممکن آشکار می‌کند. از نمونه‌های آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup>:

- إلیک یا ربِّ قد وَّجَّهْتُ حاجاتی و جئتُ بابک یا ربِّ حاجاتی  
أنت العلیم بما یجوی الضمیر به یا عالم السرِّ علام الحفیات

إقضِ الحوائج لی ربی فلست أری سواک یاربِّ من قاضٍ لحاجاتی (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۷۹).<sup>۱</sup>

از دیگر نام‌های این صنعت آدب السؤال است و گوینده به خاطر عظمت شأن مخاطب با زیباترین جملات و تمام توان کلامی وارد عرصه می‌شود. این صنعت معمولاً متأثر از قرآن و فرهنگ اسلامی است. از آن جا که هر دو امام<sup>(ع)</sup> از تربیت‌یافتگان فرهنگ قرآنی و اسلامی هستند بسیار این صنعت را به کار برده‌اند.

۱. استسلمت و اسلمت لک: در برابر تو تسلیم شده‌ام؛ اخبانی: مرا پوشش ده از شر مخلوقات؛ اعصمنی: مرا حفظ نما؛ اکفنی: مرا کفایت نما؛ وجهت: به درگاه تو آورده‌ام؛ جئت: آمده‌ام؛ یجوی: دربر دارد؛ علام الحفیات: عالم اسرار و ناگفته‌ها؛ إقض: برآورده نما؛ حاجاتی: حاجت‌هایم را.

## ۱۵. طباق

طباق جمع کردن بین دو مورد متضاد است که از یک وجه باشد یا از تمام وجوه، حقیقی باشد یا اعتباری. صاحب بدیع القرآن شرط کرده که فقط دو مورد متضاد باشند نه بیشتر و همچنین بایستی حقیقی باشند. طباق دو نوع است، اول: به وسیله الفاظ حقیقی، دوم: با الفاظ مجازی بیاید که تکافؤ نامیده می شود (السبکی، ۱۴۲۲ق: ۲۲۵)، انواع طباق عبارتند از:

### طباق ایجاب

آمدن دو مورد متضاد از نظر سلبی و ایجابی اختلاف نداشته باشند (اللاذقی، ۱۹۶۳م: ۲۲۶). از شواهد آن در صحیفه:

- سبحان خالق النور، سبحان خالق الظلمة، سبحان خالق الحياة والموت (قیومی، ۱۳۷۸: ۴۰).  
- و ورسه مشارق الارض و مغاربها و قو ناصره واخذل خاذله، و برها و بجرها و سهلها و جبلها (همان: ۵۶).

- وتجمع له الملك المملكات: قریبها و بعیدها و عزیزها و ذلیلها التي يرجع إليها الغالی و يلحق بها التالی (همان: ۶۰).

کاربست این صنعت بسیار کلام را زیبا و دلنشین می کند و از نمونه های آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> عبارت اند از:

- وما إربتی فی کلّ یوم و لیلةٍ یروحُ علینا صرْفُها و بیاکرُ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۹۲).  
- بلی آورته بعد عز و منعةٍ موارد سوء ما لهنّ مصادِرُ (همان: ۱۹۳).

بین آورد و مورد جناس اشتقاق نیز وجود دارد.

- بکی علی ما سلف من خطایاه، و تحسّر علی ما خلف من دُنیاه (همان: ۱۹۴)!

---

۱. خالق: خلق کننده؛ قریب: نزدیک؛ بعید: دور؛ عزیز: عزتمند؛ ذلیل: خوار و خفیف؛ الغالی: تندرو؛ التالی: دنباله رو؛ إربتی: خواسته و نیاز؛ یروح علینا: حوادث آن صبح و شب بر ما می گذرد؛ العزّ والمنعة: بزرگی و بزرگواری؛ مصادِر: بازگشت؛ ما سلف: آنچه که گذشته؛ تحسّر: حسرت می خورد؛ خلف: باقی مانده.

نوعی مراعات نظیر نیز دارد.

راز بلاغی این صنعت جمع کردن بین برخی امور متضاد در یک جمله است که باعث زیباسازی کلام می‌شود، چون هر لفظ همراه متضاد خودش می‌آید و این همنشینی نشان‌دهنده توانایی گوینده در کلام است. روانی طباق در سخن دو امام<sup>(ع)</sup> باعث بالا رفتن زیبایی کلام‌شان شده است. از دیگر سو منجر به روشنی اندیشه و همه‌فهمی آن می‌شود، همان‌گونه که بزرگان نیز بر این ظرافت بلاغی مهر تایید زده و گفته‌اند «الضد يظهر حسنه الضد» و باعث تثبیت معنی در جان خواننده می‌شود (احمد بدوی، ۱۹۹۶م: ۴۴۸).

کاربرد این صنعت در کلام دو امام<sup>(ع)</sup> نشان از توان بالای ایشان دارد، باید توجه داشته باشیم که کاربرد این صنعت دچار تکلف و تصنع نشود.

#### طباق سلب

در کاریست این صنعت، متضادها از نظر سلب و ایجاب با یکدیگر مخالف هستند. (اللادقی، ۱۹۶۳م: ۲۲۶). از جمله شواهد این صنعت در کلام امام<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

- حسبى الذی یکفى ما لا یکفى أحدٌ سِواه (قیومی، ۱۳۷۸: ۱۵۲).
- إني أعود بالرحمن منك إن كنتَ تقياً أو غير تقي (همان: ۱۶۰).
- ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن (همان: ۱۶۲).
- يريدُ الله بِكُمْ اليسر ولا يريدُ بِكُمْ العسر (همان: ۱۸۲).

در این مجال نیز در کنار صنعت مورد بحث موارد دیگری از صنایع بلاغی و بدیعی دیده می‌شود از جمله در مثال آخر هم طباق سلب و هم طباق ایجاب «اليسر.العسر» وجود دارد، و از نمونه‌های آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

- يروِّعُهُم بالسَّبِّ من لا يروِّعُهُ سبابٌ ولا راعِ النَّبِيِّينَ رابعٌ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۰۹).
- ما فاز من فاز إلا بنا (همان: ۲۰۲).

- حَلُّوا بَدَارِ لَا تَزَاوَرَ بَيْنَهُمْ وَأَنَّ لِسُكَّانِ الْقُبُورِ التَّزَاوَرَ (همان: ۱۸۷).<sup>۱</sup>

همان‌گونه که دیدم طباق بر زیبایی سخن بسیار تأثیرگذار است و تنها موردی است که گوینده بدون تکرار بیان می‌کند و اگر بین دو جمله جریان یابد بهتر از دو کلمه است به خاطر ایجاد تقابل بین دو حدث و زیبایی آن به بساطتی که در ذهن می‌آفریند. در این صنعت خطیب به کلام نوعی تأکید می‌بخشد. از طریق طباق، عواطف، ساده‌تر منتقل شده، باعث نشاط ذهنی مخاطب می‌شوند و ذهن را صیقل می‌دهد، تضاد معانی عمیقی را افاده می‌کند و اگر با یکی دیگر از صنایع بدیعی مقترن شود تأثیر و زیبایی‌اش دوچندان می‌شود (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۱۲۵). کاربرست این صنعت در کلام دو امام<sup>(ع)</sup> جایگاه ویژه‌ای دارد اما در کلام امام سجاد<sup>(ع)</sup> دارای نمود بیشتری است، چرا که ایشان بیشتر در پی بیان مقصود و اثبات غایات عقلانی هستند و این صنعت نیز به خاطر عقد مقایسه‌ای است که معمولاً بین طرفین جمله ایجاد می‌کند و کاربردش زیباتر و خوش‌نشین‌تر می‌شود. از آن‌جا که ایشان معمولاً در پی بیان مقاصد اصلاحی اجتماع و اخلاق هستند بیشتر از این صنعت استفاده کرده‌اند، هر چند شواهد مثالی موجود در کلام امام رضا<sup>(ع)</sup> نیز جمال بالا و کاربرست مفیدی دارد.

#### ۱۶. مذهب کلامی

مذهب کلامی یعنی این‌که گوینده به وسیله یک حجت عقلی قاطع، صحت سخن خویش را تأیید و ادعای فرد مخاصم را باطل کند و حجت خود را به کمک مقدماتی که نزد مخاطب مسلم است بیان دارد (اللادقی، ۱۹۶۳م: ۲۱۴). از نمونه‌های آن عبارت‌اند از:

- أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى عِمْرَانَ: أُنِّي وَاهِبٌ لَكَ ذِكْرًا فَوْهَبَ لَه مَرِيْمَ وَوَهَبَ لِمَرْيَمَ عِيسَى<sup>(ع)</sup>

۱. حسی: مرا کفایت می‌کند؛ سوا: غیر از او؛ تقی: پرهیزکار؛ الیسر: آسانی؛ العسر: سختی؛ یروّعهم: آنان را می‌ترساند؛ سباب (جمع سب): فحش و دشنام؛ من لا یروّعه: کسی که هیچ کس او را نترسانده است؛ رایع: ترساننده؛ لا تزاور: هیچ دید و باز دیدی؛ آنی: چه دور است.

فعیسی من مریم و مریم من عیسی، عیسی و مریم شیء واحدٌ وأنا من أبی وأبی منی وأنا وأبی شیء واحد (قیومی، ۱۳۷۸: ۷۶).

همان گونه که مشاهده می‌کنیم سخنان حضرت<sup>(ع)</sup> در کنار بیان مطلب مد نظر ایشان شامل احتجاج‌های زیبایی نیز است. از نمونه‌های آن در کلام امام سجاد<sup>(ع)</sup>:

- من عرف الرَّبَّ فلم تُغْنِه معرفة الرَّبِّ فذاك الشقی (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۰۲).<sup>۱</sup>

زیبایی این صنعت در ادعایی است که به وسیله دلیل اثبات می‌شود و تأثیرش در ایجاد تأثرهای نفسی بسیار قوی و آشکار است. به کارگیری مذهب کلامی در شعر منجر به بالا رفتن جمال کلام می‌شود چون بین تخیل مبتنی بر شعر و اقناعی که خطابه بدان نیازمند است جمع می‌کند. زیبایی آن زمانی بیشتر آشکار می‌شود که با عاطفه انسانی همراه شود. کلام دو امام<sup>(ع)</sup> در این مورد ارزش ادبی خاصی ندارد، چرا که بیشتر ایشان در مقام احتجاج و بیان برخی مسائل پذیرفته شده هستند تا این که تأثیر بیشتری بر خواننده بگذارند. البته خود به کارگیری این موارد نیز خالی از زیبایی نیست، چرا که همین همگون‌سازی بین موارد مختلف و غایت اصلی از نمونه‌های بارز توان ادبی گوینده است که نزد دو امام<sup>(ع)</sup> به زیبایی نمود یافته و ظرافت کلامی ایشان را در عین صلابت و استحکام اسلوب بیان می‌کند که همین امر موجب تأثیرگذاری بیشتر سخن ایشان بر مخاطب می‌شود.

#### ۱۷. مراعات النظیر

این صنعت را تناسب، ائتلاف و مؤاخاة نامیده‌اند و در اصطلاح جمع کردن بین شیء و مواردی که با آن مناسبت دارد، البته نه به صورت متضاد تا مطابقه خارج شود چراکه هدف جمع کردن شیء با همراهانش است چه لفظی و چه معنوی (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۱۳۸). از مثال‌های آن در صحیفه الرضا:

- سُبْحَانَ خَالِقِ الْمِيَاهِ، سُبْحَانَ خَالِقِ السَّمَاوَاتِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الْأَرْضِينَ، سُبْحَانَ خَالِقِ الرِّيَّاحِ وَالنَّبَاتِ،

۱. أوحى: وحی نمود؛ واهب: بخشنده؛ عرف: بشناسد؛ الشقی: گمراه.



سبحان خالقُ الحیاة و الموت (قیومی، ۱۳۷۸: ۴۰) در این شاهد مثال طباق ایجاب نیز به چشم می خورد.

- وَأَنْتَ اللَّهُمَّ مُشَاهِدٌ هَوَاجِسِ النَّفُوسِ وَمَرَاصِدِ حَرَكَاتِ الْقُلُوبِ وَمَطَالِعِ مَسْرَاتِ السَّرَائِرِ (همان: ۸۴)؛

- اللَّهُمَّ غَادِرُهُمْ بُكْرَةً وَهَجِيرَةً وَسِحْرَةً وَبِيَاتًا (همان: ۸۶)؛

- وَارْعِنِي فِي لَيْلِي وَنَهَارِي وَإِمْسَائِي وَإِصْبَاحِي (همان: ۱۱۸).

در شاهد مثال آخر نیز طباق ایجاب به چشم می خورد. همین کاربرد صنعت های گوناگون در کنار همدیگر تاثیر کلام و معنویت معنای کلام ائمه<sup>(ع)</sup> را چندین برابر می کند و از نمونه های آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> عبارت اند از:

- غَرِيقٌ فِي بُحُورِ الْغَمِّ حَزَنًا اسِيرٌ بِالذُّنُوبِ وَبِالْحَطَايَا (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۷۱).

- سَابِكِي حَسْرَةً دَمَعًا بَكَاءً إِذَا لَمْ يَبْقَ مِنْ دَمْعِ دَمَائِي (همان).

- اَجْمَعِ لِي الشَّمْلَ فِي أَهْلِي وَفِي وَادِي وَرُدَّنِي أَحْبَابِي وَحَبَّابِي (همان: ۱۷۹).<sup>۱</sup>

زیبایی مراعات النظیر در این است که نباید از شنونده خواسته شود به یک باره از یک اندیشه به سوی اندیشه دیگر پرواز کند و در این مسیر دچار سختی شود، بلکه بایستی طوری مقصود خویش را بیان دارد که شنونده گام به گام به سوی مقصود وی رهنمون گردد (احمد بدوی، ۱۹۹۶: ۴۵۰)، در مثال های بالا امام<sup>(ع)</sup> بین مواردی که در هر جمله وجود دارند جمع کرده اند، بنابراین می توان گفت مراعات النظیر از صنعت هایی است که زیبایی اش را از تناسب بین الفاظ به دست می آورد و به خاطر زیبایی معنوی که در کلام می آفریند متمایز می شود. در این صنعت بهتر آن است که الفاظی آورده شوند که زیبایی آفرینی کنند، هر چند کلام خبری باشد، شرط اول در این صنعت رعایت تناسب است و اگر تمام این موارد جمع شوند باعث می شود ذوق خواننده سرخوش گردد، نگارش صحیح و متین جمله ها، تناسب

۱. سبحان الله: پاک و منزّه است خداوند باری تعالی؛ المیاء: آبها؛ الريح: بادهها؛ النبات: گیاهان؛ هواجس النفوس: خطورات نفسها؛ مسرات السرائر: عالم به اسرار و پنهانیها؛ بكرة: صبح زود؛ هجيرة: ظهرگاهان؛ بیاتاً: شباهنگام؛ وارعی: مرا مورد توجه خویش قرار ده؛ بحور الغم: دریا های اندوه؛ سابیکی: خواهم گریست؛ الشمل: جمع شدن با خانواده؛ ردّنی: بازگردان؛ احباب (جمع حبیب): دوستان.

معانی و پشتیبانی هر کدام از دیگری از دیگر موارد جمالی این صنعت است (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۶۵)، در مورد مقایسه توان ادبی امامین همامین<sup>(ع)</sup> در کاربرست این صنعت همان گونه که می‌بینیم هر دو ایشان توان بالایی در این زمینه نیز دارند و البته با زیبایی کامل‌تر و زیباتر کلام خویش را آراسته‌اند. از سوی دیگر کاربرست صنایع مختلف در یک مقطع کلامی نشانه توان ادبی و بلاغی این بزرگان است.

### ۱۸. مقابله

این‌که در سخن دو معنی یا بیشتر ذکر شوند، سپس مواردی که در تضاد با آن‌ها باشند با رعایت ترتیب بیان شوند (اللادقی، ۱۹۶۳م: ۲۳۰). فرق بین این صنعت و مطابقه این‌که؛ ۱. مطابقه فقط بین دو متضاد جمع می‌کند اما مقابله معمولاً بین چهار و گاهی تا ۱۰ مورد متضاد است؛ ۲. طباق فقط در اضداد وجود دارد در حالی که مقابله هم در موارد اضداد و هم غیراضداد جریان دارد (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۱۲۶). کاربرد الفاظ بدین صورت که معانی در آن به صورت متضاد جریان دارند نوعی تجانس را می‌رساند و از نمونه‌های آن در صحیفه الرضا:

- وَحَالَفُوا الْبَعِيدَ مَنِّ عَاذَهُمْ عَلَىٰ أَمْرِهِمْ وَخَالَفُوا الْقَرِيبَ مَنِّ صَدَّ عَنْ وُجْهِتِهِمْ (قیومی، ۱۳۷۸: ۶۸)؛

- وَقَوَّ نَاصِرَهُ وَاخْذَلَ خَاذِلَهُ (همان: ۵۶)؛

- حَتَّىٰ تُنِيرَ بَعْدَهُ ظِلْمَ الْجَوْرِ وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ وَتُوضِحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَتُجَهِّدَ الْعَدْلَ اللَّهُمَّ الْعِنهَا فِي مَسْتَتِرِ سِرِّكَ وَظَاهِرِ عِلَانِيَتِكَ (همان: ۶۸).

و از نمونه‌های آن در کلام امام سجاد<sup>(ع)</sup>:

- وَمِنْ سِرِّنَا نَالَ مَنَّا السَّرُورَ وَمِنْ سَاءِنَا سَاءَ مِيلَادُهُ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۰۲).

- فَالشَّبَابَ لِلْهَرَمِ، وَالصَّحَّةَ لِلسَّقَمِ، وَالْوَجُودَ لِلْعَدَمِ (همان: ۲۱۴).

- وَأَنْتَ بَيْنَ طَيِّ وَنَشْرِ، غَنِيِّ وَفَقْرٍ، وَوَفَاءٍ وَغَدْرِ (همان: ۲۲۵).

– فَمَنْ حَسُنْتَ أفعالُهُ فهو فائزٌ      ومن قَبَّحْتَ أفعالُهُ فهو زاهقٌ (همان: ۲۱۶).<sup>۱</sup>

زیبایی طباق بین دو لفظ است اما زیبایی مقابله بین دو جمله است. این امر منجر به به کارگیری فکر و خیال برای تکوین صورت می‌شود، زمانی که از تضاد سخن می‌گوییم از تضاد بین دو کلمه سخن نمی‌گوییم بلکه به دنبال تضاد در دو جمله هستیم. زیباترین بخش مقابله تحقق آن چیزی است که شنونده بعد از این که قسمت اول را شنید منتظر آن است و بایستی بدون غموض بیان شود. بنابراین همین تضاد بین قسمت‌های مختلف باعث افزایش جمال جمله می‌شود (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۱۲۶). در این صنعت الفاظی که به کار گرفته می‌شود از نظر معنا باهم در تضادند و جهش ذهن از معنایی به معنای مقابل و متضاد آن احساس خاصی را برمی‌انگیزد. بیان هنری و تخیل در تحقق این امر شرط است و صرف کنار هم قرار دادن کلمات متضاد کافی نیست (فشارکی، ۱۳۷۹: ۹۱). کاربرد این صنعت در کلام دو امام<sup>۲</sup> با کثرت زیادی همراه است، البته در کنار سایر موارد بلاغی و بدیعی منجر به جای‌گیری بیشتر کلام در جان شنونده می‌شود و به خاطر زیبایی و تاثیرگذاری بالایی که این صنعت در کلام دارد در کلام به کار گرفته می‌شود، این صنعت در کلام دو امام<sup>۳</sup> به فراوانی به چشم می‌خورد که نشانه اهتمام بالای ایشان به گفتار و اثباتی است بر توان بالای ادبی ایشان که توانسته‌اند با زیبایی و ظرافت تمام بین این امور بدیعی و غایت خویش ارتباط برقرار کنند.

## ۱۹. إِرْصَاد

این که قبل از پایان بیت یا فقره چیزی آورده شود که الهام‌دهنده و دلالت‌کننده بر فاصله یا قافیه باشد و پی بردن به حرف آخر در بیت شعر، براساس آنچه قبل از آن آمده است،

۱. حالفوا: هم پیمان شد؛ عاضدهم: یاری نمود؛ خالفوا: مخالفت نمود؛ قو: نیرومند کن؛ اخذل: ذلیل کن؛ تنیر: روشن سازد؛ تطفیء: خاموش نماید؛ نیران: شعله‌ها؛ معاقد الحق: جایگاه‌های حق؛ سر: شادمان نماید؛ ساءنا: بدی کند. الهرم: پیری؛ السقم: مریضی؛ طی و نشر: خوشی و ناخوشی؛ فائز: پیروز؛ زاهق: شکست‌خورده و نابود شده.

در نثر پی بردن به فاصله آن گاه که فقره شناخته شده باشد (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۱۴۴). از شواهد آن در کلام امام رضا<sup>(ع)</sup>:

- أسألك كفاية الأذى والعافية والشفاء والنصر على الأعداء (قیومی، ۱۳۷۸: ۱۳۸)؛

- فلن يضرنی كید الكائدين وحسد الحاسدين، أبد الآبدين ودهرُ الدهرين فلن يرانی أحدٌ ولن يقدرَ علیَّ أحدٌ (همان: ۱۴۶).

از نمونه‌های آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

- إلیک یا ربُّ قد وجَّهتُ حاجاتی وجئتُ بابک یا ربُّ بحاجاتی

أنت العلیم بما یجوی الضمیر به یا عالمُ السِّرِّ عَلَامُ الخَفِیَاتِ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۷۹).

که شطر دوم بیت دوم به نوعی تکمیل‌کننده و خبردهنده شطر ماقبل خودش است و به نوعی از یکدیگر خبر می‌دهند.

- ملیکٌ عزیزٌ لایردُ قضاؤُهُ علیمٌ حکیمٌ نافذالامر قاهرٌ (همان: ۱۸۹).

پس هنگامی که این دلالت را در قافیه شعر و فاصله نثر پیدا کردیم باعث سرخوشی بیشتر می‌شود و حالت توقع موجود در شنونده به نتیجه می‌انجامد. این خود از مواردی است که این مبدأ بلاغی را «بهترین سخن آن است که جزئی از آن بر جزء دیگر دلالت کند» تأیید می‌کند (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۱۴۴) و در این صنعت بلاغی نوعی انتظار و پیش‌فرض مربوط به آخر کلام وجود دارد. بدین صورت که آن گاه که آغاز کلام را می‌شنویم ذهن به نوعی حدس می‌زند که ادامه مطلب چه چیزی می‌تواند باشد، کلام هر دو امام<sup>(ع)</sup> این شاهد مثالی بوده و همین امر منجر به تأثیرگذاری کلام ایشان شده است.

### نتیجه‌گیری

از جمله نتایج مهم پژوهش حاضر این‌که: اولاً دو امام<sup>(ع)</sup> توجه زیادی به معانی داشته‌اند، بدین خاطر در بیان اهداف خویش بیشترین توجه را به این مهم مبذول می‌داشته‌اند، این مهم در کلام امام رضا<sup>(ع)</sup> و امام سجاده<sup>(ع)</sup> بسیار به چشم می‌خورد و خواننده بعد از خواندن

هر یک از فرازهای کلامی این بزرگان این حقیقت را به خوبی درک می‌کند که ایشان با توان ادبی کافی سعی در ابراز کلام در بهترین قالب کلامی داشته‌اند و مقصود خویش را در قالبی ارزشمند بیان می‌کرده‌اند. در این مسیر توجه ویژه‌ای به محسنات معنوی داشته‌اند، چرا که تاثیر آن‌ها مستقیم بر معناست و باعث می‌شود کلام هر چه بهتر در جان خواننده جای گیرد. مورد دیگری که در کاربرد آرایه‌های معنوی به چشم می‌خورد، کاربرد همزمان چندین آرایه در کلام ایشان است، همان گونه که در اکثر موارد و در خلال مقاله نیز به آن اشاره کردیم، هر دو امام<sup>(ع)</sup> معمولاً در کلام خویش موارد متعددی از آرایه‌های بدیعی معنوی را به صورت همزمان به کار می‌گرفته‌اند، که این به کارگیری با هدف خلق جوی متصنع در کلام نبوده، بلکه هدف ایشان از همراه نمودن این صنعت‌های گوناگون در یک جمله تاثیرگذارتر نمودن کلام بر خواننده بوده است.

موازنه کلام این بزرگان و این که کلام کدام یک از ایشان بر دیگری برتری دارد، امری است بس دشوار چرا که هر دو ایشان از پرورش‌یافتگان شریعت اسلام و مکتب قرآن هستند، اما آن چه می‌توان بیان کرد این است که کلام امام رضا<sup>(ع)</sup> از روانی بیشتری در مقایسه با کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> برخوردار است و کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> بیشتر دعاگونه و نصیحت‌وار است. این امر موجب عقل‌گرایانه‌تر شدن کلام ایشان شده است. البته نوع بیان این بزرگان تا حد زیادی متأثر از محیط زندگی ایشان نیز است؛ چرا که امام سجاده<sup>(ع)</sup> در محیطی نزدیک‌تر به ادبیات خالص عربی می‌زیسته‌اند، حال آن‌که امام رضا<sup>(ع)</sup> در محیطی زندگی می‌کرده‌اند که فرهنگ‌ها و ادبیات‌های مختلف با یکدیگر عجین شده بودند و کلام عربی را رو به روانی بیشتر پیش می‌بردند.

در حیطه کاربرد آرایه‌های معنوی در کلام این بزرگان بیان این که کدام صنعت کاربرد بیشتر، یا کدامیک کمترین کاربرد را داشته، نیز امری دشوار است، چرا که ایشان از تمام محسنات بدیعی معنوی استفاده کرده‌اند، تا به بهترین نحو کلام خویش را ادا کنند، اما می‌توان از نظر تعداد شواهد این گونه بیان کرد که آرایه‌های «حسن الطلب، استقصاء، ترتیب،

طباق، مقابله و مراعات النظیر» بیشترین کاربرد را در کلام دو امام<sup>(ع)</sup> داشته‌اند. نکته آخر این‌که این بزرگان در کلام خویش براساس رعایت حال و مقتضای زمان و تأثیر آن‌ها بر شنونده سخن گفته‌اند، همان‌گونه که مشاهده شد در مقاطع مختلف کلامی و براساس غایت ذهنی خویش موارد گوناگونی از صنایع بلاغی و بدیعی را به کار گرفته‌اند. همین رعایت مقتضای حال و مخاطب منجر به تاثیرگذاری چند برابر کلام ایشان بر شنونده شده است.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

- ابن المعتز، أبو العباس عبدالله (۱۴۲۲ ق)، *البديع*، بیروت: مؤسسة الكتب الثقافية.
- ابن بابویه، محمد علی (۱۳۸۵)، *عیون اخبار الرضا*، ترجمه علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- السبکی، شیخ بهاء الدین (۱۴۲۳ ق)، *عروس الافراح فی تلخیص المفتاح*، بیروت: المكتبة العصرية.
- القزوينی، خطیب (۱۴۳۰ ق)، *فی علوم البلاغة*، بیروت: المكتبة العصرية.
- اللدقی، محمد طاهر (۱۹۶۳ م)، *المبسط فی علوم البلاغة*، بیروت: المكتب التجاری للطباعة والنشر.
- بدوی، احمد احمد (۱۹۹۶ م)، *اسس النقد الادبی عند العرب*، مصر: دارنهضة مصر للطباعة والنشر.
- خیاط، علی (۱۳۹۲)، *تجلی قرآن در نیايش معصومان*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۸)، *فرهنگ بزرگ ضرب المثل های فارسی*، تهران: نشر معین.
- عبداللهی، حسن (۱۳۸۳)، *ترجمه و شرح اشعار منسوب به فاطمه زهرا و امامان معصوم<sup>ع</sup>*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- فشارکی، محمد (۱۳۷۹)، *نقد بدیع*، تهران: انتشارات سمت.
- فندرسکی، میرزا ابوطالب (۱۳۸۱)، *رساله بیان و بدیع*، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان.
- قیومی، جواد (۱۳۷۸)، *صحیفة الرضا<sup>ع</sup>*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
- کارگر، یحیی (۱۳۸۸)، *فن بدیع در زبان فارسی*، تهران: فراسخن.
- کزازی، میرجلال الدین (۱۳۷۳)، *بدیع (زیبایی شناسی سخن پارسی)*، تهران: چاپ ممتاز.
- محمود یاسین، مأمون (۱۴۱۸ ق)، *من روائع البديع*، دبی: كلية الدراسات الاسلامية والعربیة.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۹)، *بدیع از دیدگاه زیبایی شناسی*، تهران: انتشارات دوستان.
- هاشمی، سید احمد (۱۳۸۹)، *جواهر البلاغة فی ادبیات و انشاء لغة العرب*، تهران: خورسندی.
- همایی، جلال الدین (۱۳۸۹)، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، تهران: چاپ مهارت.